

تأثیر ساختار فضای جغرافیایی بر مرکزگرایی و مرکزگرایی در افغانستان



۲



۳



۴

جواد امیری^۱، سیده‌های زرقانی^۲، مرتضی منشادی^۳

چکیده

یکی از وظایف اصلی فضاندیشان و فضاگردانان عرصه جغرافیای سیاسی (ژئوپلیستین‌ها، جغرافی‌دانان و مدیران سیاسی)، شناسایی و تحلیل عوامل جغرافیایی است، که نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل در همه فضاهای جغرافیایی، به‌خصوص در بُعد ساختاری آن‌ها به اشکال مختلف وجود داشته و نقش تعیین‌کننده‌ی بر شکل‌گیری مرکزگرایی و مرکزگرایی در کشورها دارند. کشور افغانستان به‌عنوان یک واحد فضای جغرافیایی، در صد سال اخیر، به‌خصوص در نقاط عطف و حساس تاریخی، شاهد اوج‌گیری فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگرایی می‌باشد، تا به آن‌جا که نهادینه‌گی و بقای نظام‌های سیاسی را با مشکل مواجه نموده است. با توجه به این مسأله، این پرسش مطرح می‌گردد که: ساختار فضای جغرافیایی افغانستان چه تأثیری بر شکل‌گیری و فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگرایی دارد؟ این پژوهش به‌صورت (مطالعه موردی) با تقدم نظریه انجام شده است. سامان‌دهی آن با روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و نگرش کارکردگرایی در جغرافیا صورت گرفته است. برای گردآوری داده‌ها از شیوه اسنادی استفاده شده است. هدف اساسی آن آسیب‌شناسی و شناخت عوامل مؤثر بر مرکزگرایی و مرکزگرایی موجود در ساختار فضای جغرافیایی افغانستان بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ساختار فضای جغرافیایی افغانستان در ابعاد ۱. عناصر محیط طبیعی؛ ۲. عناصر جامعه انسانی و ۳. عناصر محیط انسان‌ساخت، نامتجانس است و این امر سبب بروز اندیشه‌های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزنه قدرت به نفع نیروهای مرکزگرایی یا مرکزگرا می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: ساختار فضایی، مرکزگرایی، مرکزگرایی، افغانستان.

غالب (فصلنامه بین‌المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین‌الملل)
دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۸، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

^۱ دانش‌جوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانش‌کده/ پوهنځی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه/ پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران (jawadamiri99@mail.um.ac.ir)

^{۲*} دانش‌یار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانش‌کده/ پوهنځی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه/ پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول: h-zarghani@um.ac.ir)

^۳ دانش‌یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانش‌کده/ پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه/ پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران (manshadi@um.ac.ir)



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 04/ 10/ 2024

Accepted: 17/ 03/ 2025

Published: 22/ 03/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.10>

PP: 191 - 222

The Impact of Geographic Space Structure on Centralization and Decentralization in Afghanistan

Jawad Amiri¹, Seyed Hadi Zarghani^{2*}, Morteza Manshadi³

Abstract

One of the primary responsibilities of spatial thinkers and strategists in political geography—such as geopoliticians, geographers, and political administrators—is to identify and analyze the geographical factors that influence political systems. These factors exist in all geographical spaces, particularly in their structural dimension, and play a decisive role in shaping centralization and decentralization in countries. Afghanistan, as a geographical unit, has witnessed the rise of centralist and decentralist forces over the past century, particularly during critical historical junctures, to the extent that the institutionalization and survival of its political system have faced Problems. Given this issue, the fundamental question arises: How does the structure of Afghanistan's geographical space influence the formation and activity of these forces? This study, conducted as a case study with a theory-driven approach, employs a qualitative (descriptive-analytical) method and a functionalist perspective in geography. Data collection has been carried out using a documentary research approach. The primary objective of this research is to diagnose and understand the factors affecting centralization and decentralization within the structure of Afghanistan's geographical space. The findings indicate that Afghanistan's geographical structure is heterogeneous in three dimensions: (1) natural environmental elements, (2) human societal elements, and (3) human-made environmental elements. This heterogeneity provides the conditions for diverse political ideologies to emerge and continuously shifts the balance of power in favor of either centralist or decentralist forces.

Keywords: Spatial structure, centralization, decentralization, Afghanistan.

¹ PhD student in Political Geography, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (jawadamiri99@mail.um.ac.ir)

^{2*} Associate Professor of Political Geography, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding author: h-zarghani@um.ac.ir)

³ Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (manshadi@um.ac.ir)



۱. مقدمه

جغرافیا علم مطالعه فضای سه‌بعدی به‌عنوان زیست‌گاه سازه‌های انسانی و ابنای بشر در مقیاس‌های مختلف محلی تا فراسیاره‌یی است، که به‌مثابه سیستمی برخوردار از ساختار و کارکرد، مرکب از عناصر محیط طبیعی، جامعه انسانی و محیط انسان‌ساخت درهم‌تنیده و مرتبط باهم تشکیل می‌شود. فضای جغرافیایی سه‌بعدی، عرصه تعامل انسان با محیط طبیعی و نیز محیط خودساخته است، که بر پایه روابط دیالکتیکی دائماً در حال تحول و تکامل است. این فضا در حکم زیست‌گاه و بستر حیات، اقامت حرکت و فعالیت انسان عمل می‌کند و برایش فرصت‌ها و محدودیت‌ها را می‌آفریند. انسان نیز برای حیات و زیستن خود به اشکال مختلف، فضای جغرافیایی را مورد کاربری قرار می‌دهد و در عناصر طبیعی، انسانی و کالبدی آن و نیز روابط این عناصر با یک‌دیگر، دخل و تصرف می‌کند و سیما، ساختار و سیستم فضای جغرافیایی را متحول می‌نماید. فضای جغرافیایی متحول‌شده به‌نوبه خود کنش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی برای انسان می‌آفریند و انسان نیز در تقابلی مجدد و بر پایه تحولات و تغییرات جدید محیطی، رفتار و کردار خود نسبت به آن را سامان می‌دهد؛ بنابراین، جریان کنش متقابل دینامیکی بین آن‌ها دائماً استمرار می‌یابد و منجر به تغییرات و نوآفرینی‌های جدیدی در محیط و رفتار انسان می‌گردد؛ براین اساس، توسعه و تحول مستمر فضای جغرافیایی در مقیاس‌های مختلف معنا و مفهومی فلسفی پیدا می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۷۰).

بر کسی پوشیده نیست، که هدف اساسی و غیرقابل تغییر هر کشور هم‌واره بقا بوده و می‌باشد؛ و این مهم خود در گرو مقوله تهدید می‌باشد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). تهدیدات نیز به دو صورت بقای کشورها را به‌خطر می‌اندازد: نخست از جانب نیروهای خارجی (هم‌سایه‌گان، قدرت‌های منطقه‌یی و فرمانطقه‌یی، سازمان‌های فراملیتی و....). دوم از جانب نیروهای داخلی یک کشور؛ نیروهای داخلی به‌نوبه خود به دو صورت بقا را تحت تأثیر قرار می‌دهند: یک‌دسته عواملی هستند که نقش مثبتی در آن داشته و وحدت و انسجام ملی را فراهم می‌کند و در نتیجه باعث بقای کشور می‌شوند و دسته دیگر عواملی که برعکس دسته اول عمل کرده و زمینه تجزیه و فروپاشی را فراهم می‌آورند. در منابع جغرافیای سیاسی از نیروهای دسته اول به‌عنوان «نیروهای مرکز‌گرا» و از نیروهای دسته دوم با عنوان «نیروهای مرکز‌گریز» نام می‌برند. دولت‌ها به‌خصوص از نوع ملی آن‌ها برای مدیریت و سامان‌دهی سیاسی فضای جغرافیایی خویش، با شناسایی عوامل مؤثر بر مرکز‌گریز و مرکز‌گرای داخلی سعی در کاهش نقش نیروهای مرکز‌گریز و تقویت نیروهای مرکز‌گرا دارند تا بدین‌وسیله بقای خود را تضمین کنند. باید گفت که این امر نیاز دارد تا علل شکل‌گیری و فعال شدن آن‌ها را خوب بشناسیم و این مهم فقط در ابعاد ساختار و کارکرد فضا‌های جغرافیایی کشورها نهفته است.

کشور افغانستان به‌عنوان یک واحد فضای جغرافیایی، در صد سال اخیر، به‌خصوص در نقاط عطف و حساس تاریخی، شاهد اوج‌گیری فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز بوده است. بروز اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزن قدرت به نفع هر یک از آن‌ها، نهادینه‌گی و بقای نظام سیاسی این کشور را با بحران مواجه نموده است. هرچند این کشور از ابعاد بسیار محکمی هم‌چون دین و تاریخ، دارای پیشینه مشترک و پیوند است و همین امر نیز باعث شده تا هنوز به‌عنوان یک کشور باقی بماند؛ اما به‌نظر می‌رسد که ویژه‌گی‌ها و مؤلفه‌های فضای جغرافیایی آن تنوع بسیار دارد و علل جهت‌گیری‌ها و مسائل مرکزگریزی در نواحی مختلف آن شده، که می‌تواند تهدیدات جداسازی را برای این کشور به بار آورد.

از جمله آثاری که در این زمینه نگارش یافته‌اند، عبارتند از: کتاب «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک» اثر دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، در فصل هفتم آن به‌صورت مفصل به ارزش‌ها و عوامل فضای جغرافیایی پرداخته شده است و هم‌چنین این تحقیق به‌صورت مینانظری مورد استفاده قرار گرفته است؛ کتاب «مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان»، اثر آقای محمدعظیم عظیمی. این کتاب به جغرافیای سیاسی افغانستان اختصاص دارد. وی در این اثر علاوه بر شرح قلمرو فضایی جغرافیایی کشور افغانستان، مشکلات فضا در آن را مورد بررسی قرار داده و سپس، مباحثی چون ابعاد جمعیت‌شناختی، کانون‌های سیاسی، مرزهای سیاسی، تقسیمات اداری و چالش‌های جامعه افغانستان را مطالعه و تحلیل نموده است. وی در این اثر با شناخت فضای جغرافیایی وارد بُعد سیاسی آن شده است اما آن‌چه در این مقاله به‌صورت خاص مورد بررسی قرار گرفته، شناخت ساختار فضای جغرافیایی افغانستان و تأثیر آن بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در این کشور است. در مقاله «هم‌گرایی و واگرایی در افغانستان»، دکتر محسن جان‌پرور بیان می‌کند، که کشور افغانستان دارای اقلیت‌های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی فراوانی است، که زمینه گسسته‌گی، شکاف تنش و کمکش‌های مختلف را در آن فراهم آورده و یک پارچه‌گی ملی افغانستان را با خطر جدی روبه‌رو ساخته است. در این اثر وی به بررسی و شناخت نیروهای هم‌گرا و واگرا پرداخته است، اما در مقاله حاضر به علت شکل‌گیری آن‌ها توجه شده است؛ هم‌چنین دکتر محمدرضا حافظ‌نیا در مقاله دیگری «تحلیل ژئوپلیتیکی بحران افغانستان» بیان می‌کند، که بحران افغانستان از عوامل گوناگونی متأثر می‌باشد، که به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: ۱. عوامل داخلی که عبارتند از: ترکیب قومی، ترکیب مذهبی، ترکیب زبانی، ترکیب و توزیع فضایی اقوام و جمعیت، قدرت‌طلبی رهبران گروه‌ها، بی‌سوادی و کم‌سوادی مردم، دیدگاه‌های سیاسی، فقر عمومی؛ و ۲. عوامل خارجی که عبارتند از: همسایگان، دولت‌های فرمانطقه‌یی، قدرت‌های جهانی و نهادهای بین‌المللی. به‌نظر وی زمانی که این عوامل با یک‌دیگر ترکیب می‌شوند، شرایط حاد بحرانی ژئوپلیتیکی برای این کشور پیش می‌آید. باید

خاطرنشان کرد، که ایشان با نگاه جامع تحلیل ژئوپلیتیکی دارند، در صورتی که مقاله حاضر با رویکرد جغرافیایی و جغرافیای سیاسی است. دانش جغرافیای سیاسی و دانش ژئوپلیتیک در نگاه نویسندگان، دو حوزه جدا هستند.

از آنجایی که فضاهای جغرافیایی به‌عنوان موطن اقوام مختلف نقش خاصی را برای عمل این نیروها بازی می‌کند و مسأله امنیت سرزمینی کشورها را کاملاً متأثر می‌سازد، نیاز مبرم به تحقیقات از این دست است، تا آن‌چنان که بایسته و شایسته است از محیط جغرافیایی خود شناخت کامل داشته باشیم و عوامل بی‌ثباتی و نابه‌سامانی کشور در آینده رفع گردد و زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در فضای سامان‌یافته فراهم گردد. بر این اساس پرسش اساسی این پژوهش چنین مطرح می‌گردد: ساختار فضای جغرافیایی افغانستان چه تأثیری بر شکل‌گیری و فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در این کشور دارد؟

برای سامان‌دهی این پژوهش از روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و نگرش کارکردگرایی در جغرافیا استفاده شده است. گردآوری داده‌ها نیز به‌شیوه اسنادی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ساختار فضای جغرافیایی این کشور در ابعاد ۱. عناصر محیط طبیعی؛ ۲. عناصر جامعه انسانی و ۳. عناصر محیط انسان ساخت، نامتجانس است و این امر سبب بروز اندیشه‌های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزنه قدرت به نفع نیروهای مرکزگریز یا مرکزگرا می‌شود. به هر روی، این پژوهش به هدف آسیب‌شناسی و شناخت ساختار فضای جغرافیایی مؤثر بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در افغانستان انجام می‌شود.

۲. ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

۲-۱. فضای جغرافیایی

در جغرافیا، مفهوم فضا به دو صورت، فضای مطلق و فضای نسبی به کار برده می‌شود. فضای مطلق دارای کیفیت عینی، واقعی، مشخص و طبیعی است؛ اما فضای نسبی به‌طور مداوم در اثر نیازهای اجتماعی و اقتصادی و شرایط تکنولوژیکی تغییر می‌یابد. از دیدگاه علم فضایی، مردم در فضاهای نسبی زنده‌گی می‌کنند. بدین ترتیب «فضای فعالیت»، «فضای اجتماعی»، «فضای ساخته‌شده» و «فضای عمل‌کردی» در محدوده فضای نسبی جای می‌گیرند (شکوئی، ۱۳۹۴: ۲۸۸). در مورد ویژه‌گی‌های فضا و عوامل شکل‌گیری آن، شرایط نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام ایدئولوژیکی و پیوندها این سه عامل و هم‌چنین عمل‌کردهای اجتماعی ناشی از آن‌ها تبیین گردیده است (همان: ۲۹۱)؛ اگرچه فضا یک تولید مادی و در ارتباط با سایر عوامل مادی قرار می‌گیرد، اما به‌میزان قابل توجهی می‌تواند یک تولید ایدئولوژیکی، سیاسی و فرهنگی نیز به‌شمار آید. در این معنا هر فضا

دارای درون‌مایه و ابعاد مختلفی است، که متأثر از عوامل مادی و غیرمادی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرد. درون‌مایه فضا شامل پدیده‌های محیط طبیعی، ساخت‌های انسانی همانند شهرها، روستاها، راه‌های ارتباطی و مزارع هستند، که محتوای طبیعی و انسانی فضا را شکل می‌دهند؛ اما هر فضای جغرافیایی دارای ابعادی است که از فاصله، جهت و موقع نسبی شکل می‌گیرد. درون‌مایه هر فضا به همراه پراکنده‌گی نابرابر پدیده‌های طبیعی و انسانی سبب تحرک در جامعه می‌شود (همان: ۲۹۴).

۲-۲. ارزش‌ها و عوامل فضای جغرافیایی

هر فضای جغرافیایی در بطن خود حاوی ارزش‌های طبیعت‌پایه و انسان‌پایه است، که مطلوب انسان‌ها می‌باشد. عناصر فضای جغرافیایی به لحاظ کارکردی ماهیتی دوگانه دارند؛ بدین‌معنا که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا سازه انسانی ممکن است مثبت تلقی شود، درحالی که همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می‌شود. به علاوه این‌که هویت ساختی و کارکردی عوامل دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند؛ بدین‌معنا که یک عامل در بستر زمان و مکان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه‌های انسانی متفاوت ارزش‌های متفاوتی داشته باشد؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که عوامل جغرافیایی از سیالیت ارزشی برخوردار هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۷۱). مشخصات فضای جغرافیایی در دو بُعد ساختار و کارکرد قابل تشریح می‌باشد؛ به عبارتی، هر مکان و فضای جغرافیایی از ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص خود برخوردار است، که منعکس‌کننده ارزش‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی آن می‌باشد. درباره مفهوم جغرافیایی مکان ویلیام امپرت^۱، مکان را برخوردار از «مشخصات» و «موقع» می‌داند. مشخصات مکان شامل بُعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تکنالوژی و جمعیت (و بُعد طبیعی آب و هوا، فیزیوگرافی خاک و زنده‌گی حیوانی و گیاهی است؛ و موقع نیز دارای ابعاد ریاضی طول و عرض جغرافیایی) و نسبی جهت فاصله و ارتباط می‌باشد (شکوئی، ۱۳۶۴: ۲)؛ به‌صورت خلاصه مشخصات و ارزش‌های مکان و فضای جغرافیایی در چهارچوب ابعاد ساختاری و کارکردی قابل تبیین است.

¹ William Emperter

جدول (۱): مشخصات فضای جغرافیایی

مشخصات فضای جغرافیایی		مشخصات مکان و فضای جغرافیایی	
نسبت به خط استوا و مبدأ قراردادی کمان گرینویچ مشخص می شود و از ثبات برخوردار است. این همان چیزی است، که به عرض و طول جغرافیایی معروف است و موقعیت هر پدیده یا هر جا و مکان یا فضا را نسبت به خط استوا عرض جغرافیایی و نسبت به خط گرینویچ طول جغرافیایی مشخص می کند.	الف: موقعیت: ریاضی	۱. موقعیت جغرافیایی (موقعیت هر مکان و فضای جغرافیایی)	۱. بند ساختاری
	این نوع موقعیت جای گاه یک مکان یا فضای جغرافیایی را نسبت به جهات چهارگانه جغرافیایی و نیز نسبت به عوامل مختلف، هم چنین مکان ها و فضاها را دیگر و یا هم جوار مشخص می کند.		
عناصر طبیعی از اختصاصات نظام طبیعت است	الف: عناصر محیط طبیعی	۲. محتوای جغرافیایی (عوامل و اجزاء ساختاری)	
منتسب به عملکرد انسان در رابطه با عناصر طبیعی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی انسان ها میباشد که در مکان و فضای جغرافیایی تعین داشته و قابل مشاهده و ادراک میباشد	ب: عناصر محیط انسان ساخت		
عناصر انسانی نیز شامل ابعاد کمی و کیفی جمعیت گروه های اجتماعی و سازه های انسانی و اکولوژیک می باشد.	ب: عناصر جامعه انسانی		
نگرش مردم بر اساس باورها و عقاید دینی و مذهبی به مکان ها و فضاهای جغرافیایی خاص منجر به پیدایش احساس احترام و نگاه داری آن ها نسبت به دیگر فضاها می شود.	۱) مقدس	۲) بند کارکرد	
مکان ها و فضاهای جغرافیایی خواه بر اساس روابط اکولوژیکی و یا عوامل دیگر به نوعی علاقه کسان است، که در آن تولد یافته با به عنوان زیست گاه در آن زنده گی می کند.	۲) عاطفی		
عناصر و ساخت های مکان و فضا، که به تولید کالا و خدمات می پردازد و نیازهای اساسی بشر را تأمین می کند (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و دفاعی، علمی و فنی و فرهنگی)	۳) تولیدی		
قلمرو جغرافیایی نفوذ و اثرگذاری کارکردهای تولیدی (محلی، ملی، منطقه ای، و جهانی)	۴) فضایی		

برگرفته شده از مدل متغیرها و ارزش های جغرافیایی مکان و فضا (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

۲-۳. ساختار فضایی

هر مکان و فضای جغرافیایی دارای محتوایی است که عوامل و اجزای ساختاری آن را تشکیل می‌دهد. این عناصر و اجزاء در ارتباط با هم جفت‌وجور شده و ساختار مکان یا فضا را شکل می‌دهند. عناصر مزبور مرکب از عوامل طبیعی انسانی و انسان‌ساخت می‌باشند؛ این عناصر با یکدیگر رابطه نظام‌یافته و داده و ستاده دارند و سیستمی از روابط را در مکان یا فضا به‌وجود می‌آورند، که می‌توان از آن به اکوسیستم جغرافیایی مکان و فضا تعبیر نمود. عناصر و اجزای مزبور از حیث ماهیت و کارکردی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را در ارتباط با نیازهای فردی و جمعی انسان‌ها ارائه می‌دهند، که سازنده درک آن‌ها از ارزش و اعتبار مکان و فضا است، ساختار و اکوسیستم مکان یا فضای جغرافیایی به‌عنوان زیست‌گاه جمعیت و انسان‌های مقیم یا ساکن در آن عمل می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

۲-۴. نیروهای مرکزگرا و مرکزگرایی

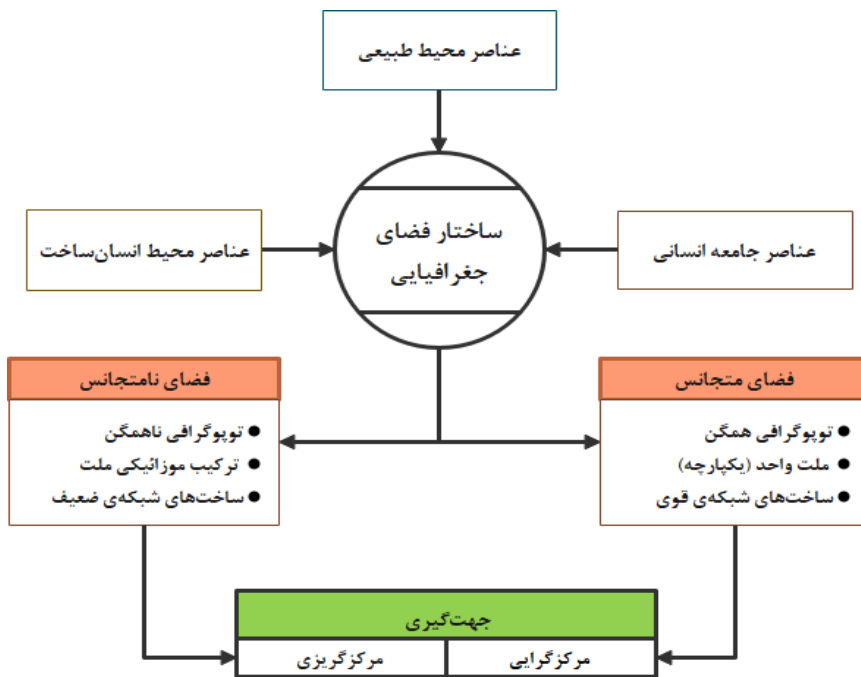
تفکیک دوگانه نیروهای مرکزگرایی و مرکزگرا در داخل کشورها در ابتدا توسط ریچارد هارتشورن^۱ مطرح شد. نظریه او که بعداً «نظریه یک‌پارچه‌گی سرزمینی» نامیده شد، تنش بین نیروهای یک‌پارچه‌ساز مرکزگرا و نیروهای مخرب مرکزگرایی را مورد بحث قرار می‌دهد. در مجموع، نیروهای مرکزگرایی و مرکزگرا نیروهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی هستند، که باعث تضعیف «مرکزگرایی» یا تقویت «مرکزگرا» تمامیت جغرافیایی یک دولت ملت می‌شوند (ویسی، ۱۳۹۸: ۶۶). نیروهای مرکزگرایی ممکن است منجر به بالکانیزه‌شدن یک کشور شوند. همه کشورها حاوی عناصری هستند، که به گرایش مرکزگرایی کمک می‌کنند؛ اگرچه ممکن است در بعضی موارد کاملاً ضعیف باشد؛ به‌خصوص در کشورهایی که از نظر فرهنگی یک‌دست یا تقریباً یک‌دست هستند؛ به‌عنوان مثال، جاپان کشوری است که دارای اقلیت‌های مذهبی یا قومی اندک، گرایش‌های مرکزگرایی اندکی را نشان می‌دهد. کشورهایی که دارای گروه‌های اقلیت بی‌شماری هستند، مثل هند، نیجریه، مالزی یا یک اقلیت بزرگ، که در یک منطقه متمرکز است (کانادا، بلژیک، قزاقستان) اغلب نیروهای مرکزگرایی قابل توجهی را تجربه می‌کنند. در کشورهای دیگر کنترل منابع یا سطوح مختلف توسعه اقتصادی ممکن است باعث بروز چنین نیروهایی شود. حتا تنها یک مسأله سیاسی ممکن است به ایجاد اختلافات شدید در هویت و وفاداری ناحیه‌یی کمک کند. منجر به ابراز خشونت

¹ Richard Hartshorne

در گرایش به مرکزگرایی که می‌تواند بقای کشور را تهدید کند، شود. در مسأله برده‌داری در ایالات متحده در نیمه اول قرن نوزدهم چنین بود (Hanks, 2011: 50).

براساس تحلیل نظری ابعاد و مؤلفه‌های دو متغیر «ساختار فضای جغرافیایی» و «مرکزگرایی و مرکزگرایی» می‌توان مدل مفهومی زیر را مبنای تبیین رابطه متغیرهای پژوهش دانست.

شکل (۱): مدل مفهومی رابطه بُعد ساختار فضای جغرافیایی با مرکزگرایی و مرکزگرایی



(مدل از نگارنده)

۳. محیط‌شناسی پژوهش (فضاشناسی افغانستان)

به‌طور کلی هر فضای جغرافیایی، تولیدکننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای زنده‌گی انسان‌ها می‌باشد. انسان‌ها تلاش می‌کنند فرصت‌ها را مورد استفاده قرار دهند و بر محدودیت‌ها غلبه کنند و یا محدودیت‌های دیگران را چنان‌چه در موقعیت رقیب باشند، به فرصت تبدیل نموده و علیه آنان به‌کار گیرند. همان‌طور که در ادبیات مفهومی بیان شد، مشخصات فضای جغرافیایی در دو بُعد ساختار و کارکرد قابل تشریح می‌باشد. برای محیط‌شناسی مسأله این پژوهش نیاز است تا شناخت و درک

درست از بُعد ساختاری فضای جغرافیایی کشور افغانستان به دست آید. به قول هارتشورن در جغرافیای سیاسی وضعیت مورفولوژیکی^۱ یک کشور بر کارکرد حکومت و نیروهای سیاسی تأثیر زیادی دارد؛ لذا مطالعه مورفولوژیکی، دروازه ورود به مطالعه کارکردی است. به نظر می‌رسد که در ابتدا باید به شناخت‌شناسی محیط طبیعی توجه و سپس به اهمیت آن در روابط انسانی پرداخت (Hartshorne, 1950: 100).

۳-۱. عوامل ساختاری

۳-۱-۱. موقعیت جغرافیایی

موقعیت یک کشور از دو جهت قابل بررسی است: ۱. از نظر موقعیت ریاضی: بر کره زمین که از روی مدارات و نصف‌النهار مشخص شده است و موقع مطلق خوانده می‌شود؛ و ۲. از جهت موقع نسبی: این نوع موقعیت جای‌گاه یک مکان یا فضای جغرافیایی را نسبت به جهات چهارگانه جغرافیایی شمال، جنوب، غرب و شرق و نیز نسبت به عوامل مختلف هم‌چنین مکان‌ها و فضاها و دیگر و یا هم‌جوار مشخص می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

۳-۱-۲. موقعیت ریاضی

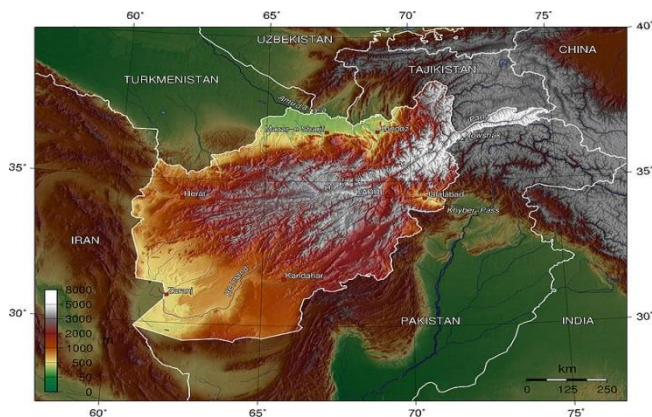
موقعیت ریاضی یک کشور که میزان دوری و نزدیکی به خط استوا و دو قطب را مشخص می‌کند، تعیین‌کننده وضعیت آب و هوای یک کشور است. موقعیت ریاضی یا مطلق یک کشور به علت تأثیری که بر آب و هوای یک منطقه در نوع تولیدات کشاورزی، محیط زیست و نهایتاً روابط تجاری یک دولت با دولت‌های دیگر دارد، در پیش‌رفت و عدم پیش‌رفت آن بی‌تأثیر نیست (میرحیدر و هم‌کاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹ - ۱۵۰). افغانستان به لحاظ موقعیت ریاضی بین ۲۹ تا ۳۸ درجه شمال شرقی و بین ۶۰ تا ۷۵ درجه شرقی نصف‌النهار گرینویچ و در نیم‌کره شمال شرقی واقع شده است. مساحت آن ۶۵۲،۲۲۵ کیلومتر مربع و چهلمین کشور جهان از نظر مساحت به‌شمار می‌آید. طول مرزهای افغانستان حدود ۵۸۰۰ کیلومتر است، که در شمال با جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، از شرق و جنوب با جمهوری اسلامی پاکستان، از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با ولایت سین کیانگ (سنجان) جمهوری خلق چین و در غرب با ایران هم‌مرز است. بیش‌ترین فاصله شرق تا غرب افغانستان، از دره یولی (شرقی‌ترین نقطه) تا دهانه ذوالفقار (غربی‌ترین نقطه) ۱۲۴۰ کیلومتر، و شمال تا جنوب آن، از نقطه خمیاب در ولایت جوزجان (شمالی‌ترین نقطه) تا

^۱ پیکرشناختی

کوه‌های چاکایی (جنوبی‌ترین نقطه) ۸۵۵ کیلومتر است و حداقل فاصله آن با آب‌های آزاد جهان از طریق مرزهای جنوبی و پاکستان ۵۰۰ کیلومتر می‌باشد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۴).

۳-۱-۳. موقعیت نسبی

محل قرارگیری هر مکان، نسبت به پدیده‌های محیط طبیعی یا عناصر جامعه انسانی پیرامون خود، موقعیت نسبی آن مکان است؛ همه پدیده‌ها موقعیت نسبی دارند. منظور از موقعیت نسبی هر کشور، محل قرارگیری آن، نسبت به سایر کشورها، دریاها، تنگه‌ها، کانال‌ها، منابع اقتصادی، مجاورت با یک دولت قدرت‌مند و توسعه‌طلب و ... است. گرچه موقعیت نسبی یک کشور ثابت است؛ ولی اهمیت آن باگذشت زمان تغییر می‌کند و بیش‌تر معلول تغییر در قدرت هژمونیک و برداشت‌ها و ادراکات جامعه بین‌الملل است (میرحیدر و هم‌کاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). باتوجه به موقعیت نسبی افغانستان، این کشور با واقع شدن در مرکز آسیا، باعث محاطه شدن آن در خشکی شده است؛ بنابراین، افغانستان از آب‌های آزاد جهان فاصله زیادی دارد. نزدیک‌ترین راه دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد از طریق هم‌سایه جنوبی و غربی و خصوصاً مرزهای جنوبی آن و از طریق کشور پاکستان، این امکان وجود دارد؛ چرا که ۵۰۰ کیلومتر فاصله کم‌ترین فاصله‌ی است که افغانستان به آب‌های آزاد جهان دسترسی پیدا کند. از لحاظ اقتصادی، موقعیت جغرافیایی افغانستان کریدور سه حوزه جغرافیایی است، که به لحاظ داشتن موقعیت ارتباطی از وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکرونومیکی بس مهم و ارزش‌مند برخوردار است. این جای‌گاه، افغانستان را می‌تواند به محور پیونددهنده کشورهای سه حوزه: ۱. کشورهای آسیا مرکزی؛ ۲. آسیای جنوبی، مانند هند و پاکستان؛ و ۳. کشورهای ایران و خاورمیانه است (عظیمی، ۱۳۹۶: ۴۸).



تصویر شماره ۱: موقعیت نسبی و ریاضی افغانستان

(منبع: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Afghan_topo_en.jpg)

۲-۳. محتوای جغرافیایی

عناصر ساختاری مکان و فضای جغرافیایی در سه مجموعه، محیط طبیعی، عناصر جامعهٔ انسانی و محیط انسان ساخت قابل تبیین می‌باشد. عناصر طبیعی از اختصاصات نظام طبیعت است و عناصر انسان ساخت متناسب به عمل کرد انسان در رابطه با عناصر طبیعی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی آن‌ها می‌باشد، که در مکان و فضای جغرافیایی قابل مشاهده و ادراک می‌باشد. عناصر انسانی نیز شامل ابعاد کمی و کیفی جمعیت گروه‌های اجتماعی و سازه‌های انسانی می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۸)؛ از این رو، محتوای فضای جغرافیایی افغانستان را می‌توان در قالب بستر و چهرهٔ طبیعی، منظر و سیمای انسانی و عناصر انسان ساخت به بررسی گرفت.

۳-۲-۱. عناصر محیط طبیعی

این عناصر از اختصاصات نظام طبیعت است. افغانستان سرزمینی کوهستانی، محاط به خشکی است. این سرزمین در نیم‌کرهٔ شمالی، نیم‌کرهٔ شرقی، در محدودهٔ آسیای مرکزی واقع شده است. دوسوم خاک افغانستان در انتهای غربی رشته کوه‌های هندوکش فراگرفته است، که یکی از بلندترین و ناهموارترین مناطق کوهستانی سراسر دنیا را تشکیل می‌دهد. با یک نگاه به نقشهٔ افغانستان مشخص می‌شود که نه تنها کوه‌های بلند بستر جغرافیایی اصلی افغانستان را تشکیل می‌دهد، بل که بسیاری از شهرها، از جمله کابل، پایتخت کشور نیز به واسطهٔ وجود آن‌ها از یک‌دیگر جدا شده‌اند (لورل، ۱۳۹۲: ۱۴). کوه هندوکش مهم‌ترین این کوه‌هاست، که بلندترین قلهٔ آن «نو شاخ» با ۷,۴۹۲ متر بالاتر از سطح آب دریا واقع شده است. کوه هندوکش به طول ۶۰۰ کیلومتر و عرض ۱۰۰ کیلومتر از سمت شمال شرقی به طرف غرب و جنوب غربی کشور کشیده شده و تقریباً از میانهٔ افغانستان می‌گذرد. این کوه هر قدر به طرف غرب امتداد پیدا می‌کند، از ارتفاع آن کاسته می‌شود و در نزدیک مرزهای کشور ایران به کوه‌ها و تپه‌های کم‌ارتفاع تبدیل می‌گردد. قله‌های هندوکش همیشه پوشیده از برف است و حتا در فصل تابستان، قلهٔ کوه‌های کشور پوشیده از یخ‌چال طبیعی است. افغانستان به دلیل داشتن کوه‌های بزرگ و قله‌های بلند و یخ‌چال‌های دایمی، یکی از پُرآب‌ترین کشورهای منطقه به حساب می‌آید، که دارای پنج حوزهٔ آبریز عمده می‌باشد. مجموع مقدار آب سطحی این حوزه‌ها سالانه به حدود ۵۷ میلیارد متر مکعب می‌رسد. موقعیت افغانستان به‌عنوان کشور بالادست، این کشور را به منبع جریان آب به کشورهای هم‌سایه مبدل کرده است. این پنج حوزهٔ مهم آبی، عبارت‌اند از: حوزهٔ آبی کابل، هیرمند، آمودریا، شمال و هریرود. هر کدام از این حوزه‌های فرعی رودخانه‌های متعدد را در خود دارد؛ در نتیجه افغانستان به لحاظ طبیعی کشوری کوهستانی است، که داری پستی‌ها و بلندی‌ها و چین‌خورده‌گی‌ها و شکسته‌گی زیادی است، که این

ویژه‌گی باعث تنوع زیستی انواع گیاهان، جانوران، دره‌های زیبا، رود و رودخانه‌های خروشان، آبشارهای بلند، دریاچه‌ها، یخچال‌های طبیعی و قله‌های باشکوه و سرسبز در دل کوه‌هایی چون هندوکش، بابا و سفیدکوه واقع شده است، که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. از سوی دیگر هم نمی‌توان نامهربانی جغرافیایی افغانستان را نادیده گرفت. از جمله می‌توان به قهر طبیعت، مانند طوفان‌ها، سیلاب‌های بهاری و تابستانی و بارش‌های شدید در بعضی از نقاط افغانستان و خشک‌سالی‌ها اشاره کرد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۶۵).



تصویر شماره ۲: نمایی از توپوگرافی افغانستان

(منبع: <https://www.worldatlas.com/maps/afghanistan>)

۳-۲-۲. محیط انسان ساخت

منظور از این عناصر ساخت‌هایی هستند که در تعامل انسان با محیط طبیعی، توسط انسان ساخته می‌شود و محصول کارکردهای فردی و یا جمعی آن می‌باشد. این ساخت‌ها، که در فضای جغرافیایی وجود داشته و ماهیت فیزیکی دارند، عبارتند از:

۳-۲-۲-۱. ساخت‌های شبکه‌یی

این ساخت‌ها، سکونت‌گاه‌های شهری، روستایی، عشایری و ساخت‌های نهادی و کارکردی را به هم پیوند داده و مرتبط می‌سازند. ساخت‌های شبکه‌یی کار انتقال و جابه‌جایی و تعامل انسان، کالا، مواد،

انرژی، پیام، اندیشه، ارزش، الگو و سایر موارد را بین ساخت‌های نهادی-کالبدی تسهیل نموده و چهارچوبی نظام‌یافته را در روابط بین ساخت‌های کالبدی - نهادی ارائه می‌دهند (دولفوس، ۱۳۶۹: ۷۱). این ساخت‌ها عبارتند از: ۱. شبکه‌های حمل‌ونقل، شامل شبکه راه‌های زمینی، ریلی، دریایی، هوایی، فضایی و ...؛ ۲. شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی، شامل شبکه خطوط تلفن تلگراف بیسیم، ایمیل، ماهواره، اینترنت کامپیوتر، فیبر نوری کیبل، رادیو، تلویزیون، تلکس و ...؛ ۳. شبکه‌های انتقال انرژی، شامل شبکه انتقال برق و الکتروسیته، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و ...؛ ۴. شبکه‌های انتقال آب و فاضلاب، شامل آب شرب شهری، روستایی و ناحیه‌یی، شبکه توزیع آب کشاورزی، صنعتی و خدماتی، شبکه دفع فاضلاب، شبکه‌های کانالی و ... (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

۳-۲-۱-۱-۱. شبکه‌های حمل و نقل

شبکه راه‌های زمینی؛ وضعیت راه‌های ارتباطی زمینی در افغانستان بسیار نامناسب است. از ۲۱۰۰۰ کیلومتر جاده‌یی که در افغانستان ساخته شده است، ۲۸۰۰ کیلومتر آن (۱۳/۳٪) آسفالت شده و مابقی راه‌ها خاکی بوده و از زیرسازی ضعیفی برخوردارند. کشور افغانستان شبکه چندان گسترده‌یی از راه‌ها ندارد. به‌طور مختصر راه‌ها و تونل‌های اصلی در «ماستر پلان سرک‌های افغانستان» (واحدی، ۱۴۰۲) به شکل زیر طبقه‌بندی شده است:

۱. شاهراه‌های منطقه‌وی (Regional Highways) (درجه اول)؛ ۲. شاهراه‌های ملی (National Highways) (درجه اول)؛ ۳. سرک‌های ولایتی (Provincial Roads) (درجه دوم)؛ ۴. سرک‌های دهاتی (Rural Roads) (درجه سوم).

الف. شاهراه‌های ملی: افغانستان شبکه چندان گسترده‌یی از راه‌ها را ندارد. به‌طور مختصر راه‌ها و تونل‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

جدول (۲): شاهراه‌های ملی					
شماره	نام شاهراه	مسافت (km)	ساخت (هـ ش)	نقاط اتصال	توضیحات
۱	سالنگ	۲۶۷۶	۱۳۵۷	شمال به جنوب کشور	شاهراه ترانزیتی که ۱۶ ولایت شمالی را با ولایات جنوبی وصل می‌کند.
۲	پل خمیری - شبرغان	۳۶۰	۱۳۵۱	پل خمیری، سمنگان، خلم، مزارشریف، بلخ، و شبرغان	۴۰ کیلومتر راه کوتاه‌تر گردید. مشکلاتی ناحیه کوتل رباطک و تنگی خلم از میان رفت.
۳	کابل - ننگرهار	۱۰۰	۱۳۵۰	کابل، جلال‌آباد	شاهراه مهم ترانزیتی که شرق کشور را به کابل وصل می‌کند.
۴	کابل - قندهار	۴۸۳	۱۳۴۰	کابل - قندهار	عمده‌ترین راه ترانزیتی از مرکز به جنوب و غرب کشور است.

کاهش مدت زمان از ۱۴ ساعت به ۲ ساعت	فراه و نیمروز	۱۳۸۰	۲۱۷	دلارام - زرنج	۵
از مهم ترین راه های ترانزیتی که حوزه جنوب و غرب کشور را پوشش می دهد.	قندهار، هرات و تورغندی	۱۳۴۰	۶۷۴	قندهار، هرات و تورغندی	۶
شاهراه عمده ای که نقش بارزی در تجارت و ترانزیت دارد.	هرات - اسلام قلعه	۱۳۴۰	۱۲۳	هرات - اسلام قلعه	۷

به نقل از: (واحدی: ۱۴۰۲).

ب. کریدورهای منطقه‌وی

همان طور که ذکر گردید، افغانستان یک کشور محاط به خشکه می باشد و از این ناحیه تقریباً در انزوای تجارتي و اقتصادي قرار داشته و حتا یکی از عوامل توسعه نیافته گی آن محسوب می شود؛ اما از طرف دیگر این کشور دارای موقعیت ریاضی و نسبی است، که می تواند چهار منطقه بزرگ آسیا را به هم وصل کرده و خود نیز از طریق اتصال با آن ها به سایر مناطق و آب های آزاد دست رسی پیدا کند. با وجود این مزیت بزرگ افغانستان تا هنوز نتوانسته به جای گاه مناسب خود نائل آید. به یقین در کنار سایر عوامل یکی از عوامل جدی توسعه نیافته گی افغانستان، فقدان وجود راه های مواصلاتی منطقه وی می باشد. خوش بختانه در دو دهه اخیر توجهات خاصی به این امر مهم و حیاتی، که می تواند اقتصاد افغانستان را منقلب کند، صورت گرفته است.

شماره	نام	نقاط اتصال
۱	جلال آباد	افغانستان به آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و جنوب شرقی، قفقاز و خاورمیانه و هریک از این مناطق به یکدیگر از طریق این شاهراه ها با مزیت نسبی، نسبت به راه های بدیل. به صورت کلی افغانستان می توان مناطق شمال و شرق (چین و آسیای مرکزی) را به مناطق غرب و جنوب آسیا (شبه قاره هند، قفقاز و خاورمیانه) و برعکس، از طریق کریدورهای (راه ابریشم، گوادر، چاه بهار و لاجورد) پیوند دهد و نهایت نقش مرکزی را ایفا نماید.
	مزار شریف	
	هرات	
	قندهار	



تصویر (۳): شاهراه حلقه‌وی

منبع: (FoAC 2009)

پ. شبکهٔ خط آهن

احداث شبکهٔ خط آهن در مطابقت با پلان‌های انکشافی و عام‌المنفعهٔ افغانستان و اتصال آن به شبکه‌های خط آهن منطقه‌وی و بین‌المللی، یکی از اهداف مهم و استراتژیژیک افغانستان می‌باشد. در نتیجه، این شبکه‌های خط آهن زمینهٔ توسعه و تحکیم روابط تجارتي، سیاحتی و اجتماعی به سطح ملی، منطقه‌وی و بین‌المللی را مساعد ساخته، برای گسترش این روابط جهت عرضهٔ بهتر خدمات سریع حمل‌ونقل و فراهم‌نمودن تسهیلات در این زمینه کالاهای تجارتي، و انتقال آسان مسافران و سیاح‌ها به داخل کشور و هم‌چنان به کشورهای منطقه و جهان به مثابهٔ یک پُل ارتباطی، نقش بسیار ارزش‌مند را ایفا می‌دارد (شمس: ۱۳۹۸)

جدول (۴): شبکهٔ خط آهن				
مزیت	نقاط اتصال	ساخت	مسافت	نام خط آهن
سفر بین دلارام و زرنج را که پیش از ایجاد این شاهراه طی می‌شد از ۱۲ تا ۱۴ ساعت در ۲ ساعت کاهش داده است.	افغانستان به ترکمنستان و قفقاز	دهه ۱۳۴۰	۲۱۷	سرحدآباد - تورغندی
از طریق خط آهن بندر عباس و بندر چابهار، آسیای میانه به آب‌های آزاد، بندر کراچی، بندر بمبئی/ مومبای و سایر بنادر بین‌المللی متصل شده و باعث رونق تجارت بین‌المللی در سطح منطقه می‌شود.	افغانستان به ایران و خاورمیانه	۱۳۹۱	۲۲۵	خواف - هرات
از طریق خط آهن افغانستان می‌تواند با منطقهٔ آسیای مرکزی و بازارهای تجارتي آن راه یابد	افغانستان به ازبکستان و آسیای مرکزی	۱۳۵۹	۷۵	ترمز - مزار شریف
بخش تکمیلی خط آهن ترمز - مزار شریف می‌باشد، که قرار است تا کشور پاکستان کشیده شود. کشورهای اتحادیهٔ اروپا، روسیه، ازبکستان و افغانستان به بنادر پاکستان در اقیانوس هند متصل می‌شوند.	ازبکستان، افغانستان، پاکستان و آسیای جنوبی و جنوب شرقی	۱۴۰۱	۶۴۸	راه آهن ترانس افغان

شبکهٔ خط آهن

۲

ت. خطوط هوایی

برای تأمین و مؤثریت حمل‌ونقل هوایی و امکانات، میدان‌های هوایی مطابق به معیارهای تعیین‌شدهٔ سازمان جهانی هوانوردی ملکی طراحی و اعمار می‌شوند. معیارهای نام‌برده به‌عنوان اساس طرح‌ریزی میدان‌های هوایی در افغانستان تعیین شده‌اند. کشور افغانستان در مجموع دارای ۴۸ میدان هوایی (فردوگاه) با پنج نوع سطح کاربری (بین‌المللی، بزرگ داخلی، متوسط داخلی، نظامی و کوچک

محلّی) می‌باشد، که اکثراً در سه دهه گذشته به صورت گسترده اعمار، بازسازی و مدرنیزه شده‌اند (سیلوان و بلیخ: ۱۳۹۵).

جدول (۵): میدان‌های هوایی افغانستان			
شماره	نوع میدان هوایی	تعداد	توضیحات
۱	بین‌المللی	۴	برای بخش عمده مسافران و محموله‌های تجاری خدمات فراهم می‌کند، که باعث افزایش سرمایه‌گذاری در کشور، توریسم و غیره فعالیت‌های اقتصادی می‌شود.
۲	داخلی بزرگ (زون)	۳	این میدان‌ها برای پروازهای داخلی و بین‌المللی با مسیر کوتاه، خدمات ارائه می‌کنند و باعث یک‌پارچه‌گی منطقه‌وی و افزایش رشد اقتصادی با فراهم‌آوری ارتباط حیاتی بین مقاصد منطقه‌وی و پایتخت می‌شوند.
۳	متوسط داخلی	۱۸	این میدان‌ها برای فراهم‌آوری ترانسپورت سریع و کم‌هزینه برای مراکز ولایتی منزوی و بدون ارتباط ترانسپورتی زمینی اعمار شده‌اند.
۴	نظامی	۳	جهت استفاده نظامی به صورت اختصاصی اعمار شده‌اند.
۵	کوچک محلی	۲۰	این میدان‌ها در کنار میدان‌های هوایی بزرگ و متوسط داخلی برای یک‌پارچه‌گی نقاط دور دست با مرکز فعالیت‌های اقتصادی اعمار شده‌اند و باعث تسریع روند کمک‌های انسان دوستانه نیز می‌شوند.

ث. بنادر دریایی

افغانستان راهی به دریاهای آزاد ندارد و بالطبع فاقد بندر و کشتیرانی است. تنها رود قابل کشتیرانی رودخانه مرزی آمودریاست که می‌تواند پذیرای کشتی‌های کوچک تا ظرفیت ۵۰۰ تن باشد. در سواحل آمودریا شبه‌بندرهایی احداث شده است، که مهم‌ترین آن‌ها خیرآباد و شیرخان است (عظیمی: ۱۳۹۱).

۳-۲-۱-۲. شبکه‌های ارتباطی

در کشور افغانستان شبکه‌های ارتباطی مختلف (شبکه تلفن ثابت و تلفن همراه برخوردار از اینترنت) و رسانه‌های عمومی (رادیو و تلویزیون محلی و ملی) فعال است؛ اما در برخی نقاط کشور با نبود انرژی برق کافی و موانع دیگر، این خدمات در مناطق محدود ارائه می‌شود. در سال‌های اخیر وزارت‌های ذی‌ربط، فعالیت‌های مختلفی انجام دادند که بنا به گزارشات سالانه آن‌ها دست‌آوردهای ذیل را در این زمینه داشته‌اند:

الف) شرکت افغان‌پُست: یکی از ریاست‌های مهم بوده، که تحت نظارت وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی برای شهروندان کشور خدمات پُستی انجام می‌دهد. این شرکت با ترمیم و

بازسازی ۳۵ باب پُسته‌خانه ولایات درجه اول و درجه دوم و توزیع ۲۰۰ عراده موترسایکل و ۱۵ عراده موتر جهت انتقال بسته‌های پُستی ولسوالی‌ها به مراکز ولایات بزرگ‌ترین نهاد خدمات‌رسان در این زمینه است؛

(ب) تأمین کیفیت خدمات تکنالوژی معلوماتی: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در بخش تأمین کیفیت خدمات تکنالوژی معلوماتی به دست‌آوردهای ذیل نایل گردیده است: جهت انکشاف مرکز تبادل انترنت یا (NIXA Upgradation) (NIXA) تجهیزات خریداری و تکمیل گردیده است.

به تعداد ۲۳ شرکت بزرگ خدمات اینترنتی جهت مصونیت و کنترل ترافیک اینترنتی در سطح فضای سایبری کشور با دست‌گاه نیکسا وصل گردیده است و تعدادی شرکت‌های دیگر نیز سروی شده‌اند.

سیستم تصادیق الکترونیکی برای ویب‌سایت‌های دولتی و ایجاد سیستم محافظتی تصادیق الکترونیکی (SSL) Sockets Secure Layer (SSL) غرض توزیع دیجیتل سرتفکیت، تجهیزات تهیه و در مرحله نصب قرار دارد.

تهیه و راه‌اندازی سیستم تحصیلات عالی آنلاین (Higher Education Management System) در هم‌کاری با وزارت تحصیلات عالی.

(ج) ارتباطات منطقه‌وی فایبر نوری: فایبر نوری یکی از خدمات شرکت افغان‌تیلی کام است و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیربنایی در رشد سکتور مخابرات و تکنالوژی معلوماتی کشور به‌شمار می‌رود. فایبر نوری در کم‌ترین وقت مرزهای محلی را درنوردید و از طریق کشورهای هم‌سایه به‌طور مستقیم با پشتی‌بانی فایبر نوری بین‌المللی با بیش‌ترین ظرفیت خدمات اینترنتی با ارائه امکانات دسترسی به خدمات اینترنت وصل گردیده، که اطلاعات را در کم‌ترین زمان انتقال می‌دهد و به وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در این بخش به دست‌آوردهای ذیل نایل گردیده است:

سروی اتصال شبکه‌ی تمديد کيبل فایبر نوری به جمهوری کشور چین از طریق واخان از فیض آباد تا سرحد چین صورت گرفته است و درخواست پول تمديد فایبر نوری دهلیز واخان به کشور چین ارسال گردیده، کار آن جریان دارد.

اتصال به کشور قزاقستان از طریق شبکه‌ی فایبر نوری از طرف افغانستان آماده گردیده، ولی به نسبت مشکلات مالی و تخنیکي کشور تاجیکستان، کار پروژه تکمیل نگردیده است.

(د) اتصال ادارات دولتی و مکاتب به اینترنت و فایبر نوری: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی مطابق پلان و پالیسی دیجیتل‌سازی ادارات دولتی و تقویت حکومت‌داری الکترونیکی در هماهنگی با ادارات مربوط جهت اتصال ادارات دولتی به شبکه‌ی اینترنت از طریق شبکه‌ی فایبر نوری یا سیستم

بسیم، سروی و کارهای مقدماتی را آغاز نموده، که طی سال ۱۳۹۹ به دست‌آوردهای ذیل دست یافته است:

جهت اتصال ادارات دولتی در مراکز ۳۴ ولایت کشور به شبکه اینترنت (از طریق شبکه کیبل فایبر نوری یا سیستم بی‌سیم) سروی صورت گرفته تا بندویت لازم شبکه ارتباطات دولتی (Government Network) تأمین گردد. چهار شرکت پیش‌نهاد قیمت خویش را ارائه نموده و بررسی‌های بعدی آن ادامه دارد.

کار وصل (۱۶۰) باب مکتب با شبکه فایبر نوری در ۲۵ ولایت در جریان است.

کار وصل (۵۰۰) باب مکاتب از طریق وایمکس و پاینت تو پاینت در ولایات در جریان است. (ه) کارکرد در بخش آسان خدمت: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در آغاز سال مالی ۱۳۹۹ تا وقتی که این بخش (آسان خدمت) رسماً به اداره احصائیه تعلق نگرفته بود، به دست‌آوردهای ذیل نایل گردید:

جهت ایجاد مرکز آسان خدمت برای ولایات هرات، کندهار، ننگرهار، بلخ، خوست و پکتیا زمین مشخص شده است.

مرکز آسان خدمت در ولایت خوست ایجاد، و خدمات عامه در خصوص صدور پاسپورت، جواز کار اتباع داخلی، ترانسپورت زمینی و شهدا و معلولین ارائه می‌گردد. توزیع معاشات (حقوق) کارمندان وزارت‌های معارف و کار و امور اجتماعی از طریق مابیل انجام شده است.

۲-۲-۱-۳. خطوط انتقال انرژی

در حال حاضر کشور افغانستان فاقد خطوط انتقال انرژی سراسری در داخل و منطقه‌یی است؛ اما به‌عنوان پُل ارتباطی آسیای مرکزی غنی از انرژی هیدرورکربنی و آسیای جنوبی و جنوب‌شرقی تشنه این انرژی می‌تواند به نفع ثبات و امنیت داخلی و منطقه‌یی استفاده نماید؛ چرا که اهمیت کریدورهای منطقه‌یی برای حمل‌ونقل کالاها و ارتباط پیوسته این مناطق نیز بر اهمیت جغرافیای افغانستان می‌افزاید و این کشور را به‌عنوان پل ارتباطی منطقه دارای چگالی ارتباط بالای می‌نماید. در حال حاضر در حوزه خطوط انتقال انرژی، افغانستان به‌منظور به دست‌آوردن جای‌گاه در شبکه منطقه‌وی و جهانی، چند محور عمده را دنبال می‌کند، که در قسمت مصرف داخلی افغانستان هم‌اکنون با توجه به زیربنای اولیه طرح‌های مذکور از آن‌ها بهره‌مند است. این خطوط عبارتند از:

جدول (۶): خطوط عمده انتقال انرژی از آسیای مرکزی به آسیای جنوب		
پروژه لاین فشارقوی برق تو تاپ (TUTAP)	پروژه لاین فشارقوی برق کاسا یک‌هزار (CASA-1000)	پروژه خط لولهٔ انتقال گاز تاپی (TAPI)
پروژه‌یی است که برق ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان را از راه افغانستان به پاکستان انتقال می‌دهد.	پروژه انتقال برق از آسیای مرکزی به جنوب طرح آن در اجلاس هم‌کاری‌های اقتصادی منطقه‌یی (ریکا) کلید خورد.	مسیری ۱۸۱۴ کیلومتری است که قرار است از میدان گازی گالکینیش در ترکمنستان آغاز و با عبور از افغانستان و پاکستان به منطقهٔ فاضلیکا در هند برسد.

۲-۲-۱-۴. شبکهٔ آب و فاضلاب

سال‌ها جنگ و ویرانی همراه با شش سال خشک‌سالی متواتر بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست افغانستان تأثیرات ناگواری بر جا گذاشت، که در نتیجهٔ آن:

- بیش‌تر مردم از دسترسی به آب آشامیدنی صحتی محروم ماندند؛
- تخریب زیربناهای موجود و کم‌بود زیربناهای جدید جواب‌دهنده نیازهای فعلی کشور؛
- واقعات امراضی که از آب‌های آلوده اتفاق می‌افتند، افزایش یافته است؛
- کاهش قابل ملاحظه در تولیدات سکتور زراعت رخ داده و زیربنای این سکتور تخریب گردید؛
- تعداد بیش‌تر مردم در داخل و یا به خارج از کشور بی‌جا و مهاجر گردیده‌اند؛
- قطع خودسرانهٔ جنگلات، که منجر به کاهش قابل ملاحظهٔ منابع طبیعی و خرابی محیط زیست گردیده است؛

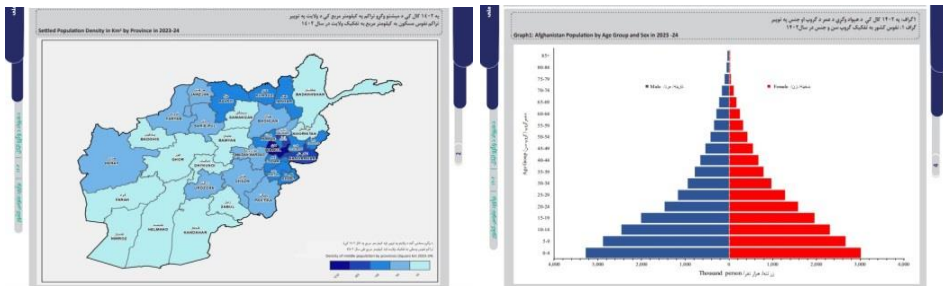
- افزایش قابل توجه در تخریب سواحل دریاها و تخریبات در اثر سیل آب به میان آمده؛
- نباتات طبیعی، درختان پسته و سایر جنگلات خسته‌باب از ریشه خشک شده؛
- نهادهای سنتی محلی که مؤلف برای ادارهٔ جنگلات، آب و سایر منابع طبیعی بودند صدمهٔ شدیدی را متقبل شده‌اند؛

- کاهش سطح آب‌های زیرزمینی به نسبت استخراج بیش از حد مجاز (ادارهٔ منابع آب: ۱۳۹۱).
 به اساس معلومات ادارهٔ مرکزی احصائیه، میزان دسترسی مردم به آب آشامیدنی صحتی در سطح کشور ۶۳٫۹ درصد اعلام شده است، که این رقم نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور به آب آشامیدنی صحتی دسترسی ندارند. با آن‌که در حال حاضر فیصدی زیادی از آب‌های زیر زمینی، غیر صحتی گزارش شده است، مردم ناچار اند از آن برای آشامیدن و شست‌وشو استفاده کنند. نبود سیستم کانالیزاسیون عامل اصلی آلوده‌شدن آب‌های زیر زمینی عنوان می‌شود (ادارهٔ ملی حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۷: ۶).

۳-۲-۳. عناصر جامعه انسانی

۳-۲-۳-۱. جمعیت (تعداد نفوس / جنسیت / سکونت)

به علت مشکلات امنیتی و اقتصادی دومین سرشماری کامل نفوس کشور بعد از سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ تا هنوز صورت نگرفته است؛ از این رو، نفوس مسکون کشور به تفکیک واحدهای اداری، شهری، دهاتی و جنسیت با در نظر داشت موازین و تخنیک های علمی دموگرافیکی برآورد شده است، که دربرگیرنده ۳۴ ولایت (۳۶۴ ولسوالی اصلی، ۲۴ ولسوالی موقت و ۳۴ مرکز ولایت) می باشد. قابل ذکر است که در این برآورد ۶۶ شهر کشور نیز شامل ۴۲۲ واحد اداری می باشد. مجموع نفوس کشور در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۴،۹ میلیون نفر برآورد شده است که از جمله حدود ۱۷،۸ میلیون نفر (۵۱،۰ فیصد) آن مردان و ۱۷،۱ میلیون نفر (۴۹،۰ فیصد) آن زنان می باشند. در سال ۱۴۰۲ از جمله ۳۴،۹ میلیون نفر نفوس کشور، ۲۴/۶ میلیون نفر (۷۰/۵) فیصد را نفوس روستایی و ۸/۸ میلیون نفر (۲۵/۲ فیصد) را نفوس شهری و ۱/۵ میلیون نفر (۴/۳) فیصد را نفوس کوچی تشکیل می دهند، که در جدول (۷) قابل مشاهده است. در رابطه با نفوس کوچی باید متذکر شد، که از سال ۱۳۵۸ تا حال نفوس کوچی نسبت عدم موجودیت سرشماری کلی نفوس طور ثابت ۱،۵ میلیون نفر در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که در برآورد نفوس سال جاری، نفوس سال ۱۳۸۳ به حیث سال اساس در نظر گرفته شده است (اداره ملی احصائیه و معلومات: ۱۴۰۲).



تصویر (۶): نمودار تفکیک سن، جنسیت و تراکم نفوس کشور (۱۴۰۲)

جدول (۷): نفوس کشور به تفکیک: سن، جنس و محل سکونت

(جدول: به ۱۴۰۲ کال کی د هیواد واکړي د عمر گروپ، جنس او استوګنځای په توپیر (نټه) جدول: ۱: نفوس کشور به تفکیک گروپ سن، جنس و محل اقامت در سال ۱۴۰۲ (تفر)

Table 1: Afghanistan Population by Age Group, Sex and Residence in 2023-24 (Person)

د عمر گروپ Age Group	ملی National			ښاري شهری Urban			کليوي دېلي Rural			کويي Nomadic		
	دواړه جنس Both Sexes	تارينه Female	مرد Male	دواړه جنس Both Sexes	تارينه Female	مرد Male	دواړه جنس Both Sexes	تارينه Female	مرد Male	دواړه جنس Both Sexes	تارينه Female	مرد Male
Total	34,971,517	17,832,072	17,139,445	8,863,196	4,478,245	4,384,951	24,608,321	12,561,544	12,046,777	1,500,000	792,283	707,717
0-4	6,293,220	3,280,438	3,012,782	1,263,020	642,734	620,286	4,701,953	2,457,365	2,244,588	328,247	180,339	147,908
5-9	5,552,667	2,884,577	2,668,090	1,280,618	658,816	621,802	4,007,666	2,082,336	1,925,330	264,383	143,425	120,958
10-14	4,765,890	2,458,419	2,307,471	1,266,435	655,581	610,854	3,295,912	1,694,604	1,601,308	203,543	108,234	95,309
15-19	3,967,634	2,010,045	1,957,589	1,114,335	566,159	548,176	2,695,474	1,362,224	1,333,250	157,825	81,662	76,163
20-24	3,054,916	1,472,005	1,472,005	857,667	404,172	453,495	2,083,844	1,013,089	1,070,755	113,405	54,744	58,661
25-29	2,456,569	1,171,369	1,285,200	683,903	318,531	365,372	1,683,389	810,189	873,200	89,277	42,649	46,628
30-34	1,909,181	943,853	965,328	498,236	247,839	250,397	1,336,553	657,815	678,738	74,392	38,199	36,193
35-39	1,568,113	782,757	785,356	405,082	203,781	201,301	1,100,170	546,104	554,066	62,861	32,872	29,989
40-44	1,333,757	659,940	673,817	357,919	172,333	185,586	920,044	458,558	461,486	55,794	29,049	26,745
45-49	1,093,148	548,838	548,310	299,828	146,422	153,406	748,337	375,196	373,141	44,983	23,220	21,763
50-54	837,959	419,863	418,096	239,247	124,247	115,000	567,720	280,449	287,271	30,992	15,167	15,825
55-59	665,157	340,098	325,059	191,079	101,258	89,821	450,920	227,308	223,612	23,158	11,532	11,626
60-64	533,509	285,805	247,704	147,757	77,247	70,510	368,407	198,781	169,626	17,345	9,777	7,568
65-69	395,361	222,703	172,658	107,576	58,451	49,125	274,671	156,355	118,316	13,114	7,897	5,217
70-74	264,994	160,716	104,278	70,638	41,811	28,827	184,626	112,700	71,926	9,730	6,205	3,525
75-79	138,718	98,783	39,935	35,827	27,059	8,768	95,700	67,024	28,676	7,191	4,700	2,491
80-84	81,205	57,566	23,639	23,100	16,989	6,111	54,721	38,164	16,557	3,384	2,413	971
85+	59,519	38,297	21,222	20,929	14,815	6,114	38,214	23,283	14,931	376	199	177

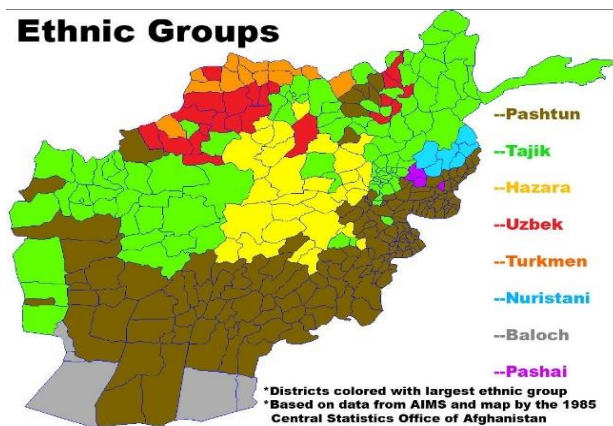
منبع: (اداره ملی احصائیه و معلومات: ۱۴۰۲)

۳-۲-۳. سیمای نفوس کشور

اکثر کشورهای جهان ملت واحد ندارند و در آن‌ها بیش از یک زبان، فرهنگ، مذهب و نژاد وجود دارد و به تبع آن بیش از یک ملت دارند. این گونه کشور و دولت‌ها به‌ویژه اگر توده‌های دارای ملیت‌های متفاوت در آن به‌طور تاریخی در مناطق جغرافیایی با مرزهای مشخص و به‌طور متراکم ساکن بوده باشند، خودبه‌خود در تعریف دولت - ملت و مردم ساکن در آن در تعریف ملت - دولت نمی‌گنجد. این وضعیتی است که در افغانستان نیز حاکم است. افغانستان به‌عنوان یک واحد مستقل، کشوری نه تنها از ملت‌ها و ملیت‌های گوناگون ساکن در مناطق ملی مشخص تشکیل یافته، بل که به لحاظ ترکیب ملی یکی از متنوع‌ترین و رنگارنگ‌ترین کشورهای منطقه و جهان و به معنای دقیق کلمه کشور و جامعه‌ی چندملتی - کثیرالمله است که اقوام گوناگونی در آن زنده‌گی می‌کنند و هر یک دارای زبان و فرهنگ مخصوص به خود هستند؛ چهار گروه اصلی عمده قومی پشتون‌ها، هزاره‌ها تاجیک‌ها و از بک‌ها تقسیم می‌شوند. هرکدام از این اقوام در بخش‌های معینی از سرزمین افغانستان زنده‌گی می‌کنند و در قلمروهای جغرافیایی ویژه‌ی مسکن‌گزین‌اند (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

در افغانستان علاوه بر چهار گروه عمده قومی، مثل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها، ده‌ها خرده‌گروه قومی دیگر وجود دارد، که در محیط‌های خاصی و جداگانه تجمع و تمرکز زیستی یافته‌اند. خرده‌گروه‌های قومی، مانند پشه‌یی‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، تیموریان، بیات‌ها، ایماق‌ها، قزلباش‌ها، قرقیزها، سکاها، نورستانی‌ها، عرب‌ها و ... در محیط‌ها تفکیک‌شده در ولایات و مناطق مختلف کشور زنده‌گی می‌کنند (الفنستون: ۱۳۸۸).

آنچه تا این‌جا ذکر گردید، نشان‌دهنده این است که افغانستان یک کشور چندقومی و با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف است، که به دلایل مختلف از جمله: عوامل جغرافیایی، تاریخی و انسانی در کشور رنگین‌کمان قومی با ساختار ناهم‌گون اجتماعی و ناهم‌سان فرهنگی و انسانی پدیدار گشته است. گروه‌های قومی مختلف، یعنی بیش‌تر از ۵۰ قوم و صدها زبان و گویش و مذاهب مختلف در این جغرافیا زیست می‌کنند. تصویر (۶) توزیع فضایی اقوام و زبان در فضای جغرافیایی افغانستان را نشان می‌دهد.



تصویر (۶): نمایی از پراکنده‌گی اقوام و زبان در افغانستان

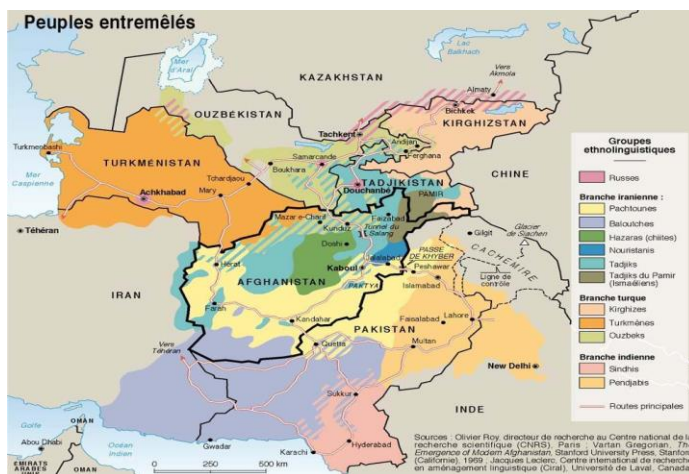
(منبع: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_Ethnic_Groups_in_Afghanistan,_by_district.svg)

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. بستر و طبیعت فضای جغرافیایی افغانستان

همان‌طور که از وضعیت توپوگرافی افغانستان پیداست، فضای جغرافیایی کشور از تمایز برخوردار است و هر بخشی از ملت در آن دارای قلمرو جغرافیایی خاصی است و برخی از بخش‌ها نیز با ملت‌های خارج از افغانستان پیوند می‌خورند. الگوی بخش متمایز اقوام و ملیت‌های آن تا اندازه‌یی از

الگوی ناهم‌واری و ساخت توپوگرافیک افغانستان متأثر است. به طوری که قلمرو جغرافیایی هر یک از اقوام بر یکی از قلمروهای توپوگرافیک همراه با اختصاصات خاص خود تطبیق می‌نماید؛ مثلاً ترک‌های ازبک و ترکمن بر قلمرو سرزمینی پست و کم‌ارتفاع شمال، که به گونه‌ی دنباله صحرای قره قوم محسوب می‌شود، تطبیق دارند. بلوچ‌ها نیز در منطقه سرزمین‌های پست و کم‌ارتفاع جنوب مستقر می‌باشند. هزاره‌ها در منطقه مرکزی افغانستان و بر ارتفاعات بخش مرکزی، تطبیق دارند که ارائه این مرتفعات به سمت شرق به فلات بایر و قلمرو قوم تاجیک می‌پیوندد. پشتون‌ها بر سرزمین‌های مرتفع و فلات جنوب و مرکزی و پیرامون قلمرو هزاره‌نشین استقرار دارند، که شهرهای بزرگ قندهار، جلال‌آباد و تا اندازه‌ی کابل نیز در قلمرو جغرافیایی آن‌ها قرار گرفته است. تاجیک‌ها در منطقه شمال شرق افغانستان پراکنده‌اند و قلمرو جغرافیایی آن‌ها را منطقه کوهستانی بلند شمال شرق کشور تشکیل می‌دهد، که ادامه آن به پامیر یا بام جهان می‌پیوندد و با قلمرو قرقیزها هم‌سایه‌گی دارند. در واقع تاجیک‌ها بر مرتفع‌ترین بخش خاک افغانستان، که از کوه‌ها و دره‌های صعب‌العبور برخوردار است، تطبیق دارند. مشاهده می‌شود که الگوی پخش اقوام در افغانستان تابع الگوی ناهم‌واری و ساختمان توپوگرافیک این کشور است و تا اندازه‌ی می‌توان گفت که ساخت گسیخته سرزمینی بر آرایش اقوام افغان تأثیر داشته است.



تصویر (۷): نقشه پراکنده‌گی و ترکیب قومی افغانستان و کشورهای اطراف

(منبع: <https://www.irna.ir/news/84933890>)

علاوه بر این، همان‌طور که اشاره گردید، این ساخت‌گسیخته از حیث طبیعی و انسانی با مناطق متجانس‌تر پیرامونی هم‌بسته‌گی و هم‌خوانی دارد و لذا پیوندهای اقوام کشور با خارج از مرزهای افغانستان امری بدیهی به‌نظر می‌رسد.

۴-۲. وضعیت ساخت‌های انسانی فضای جغرافیایی افغانستان

زیرساخت‌های حمل‌ونقل ضعیف مانع تجارت شده، توسعه منابع طبیعی را محدود ساخته، مانع ادغام منطقه‌یی شده و رشد اقتصادی فراگیر را محدود می‌کند؛ از دیگر سو، می‌توان گفت افغانستان در رده‌بندی پایین‌ترین میزان مصرف انرژی سرانه در سطح جهانی، یعنی پنج درصد بوده و واردکننده انرژی خالص است. لازم به ذکر است که منابع ناکافی انرژی و عدم تعادل عرضه و تقاضا، می‌تواند فرصت‌های رشد و درآمد را محدود کرده و اختلافاتی را نیز در توسعه اقتصادی ایجاد کند.

مانع اصلی در بهبود بخش کشاورزی نیز عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای هدایت و انتقال آب برای اهداف زراعتی و کشاورزی است. این امر دربرگیرنده عدم وجود سیستم توزیع مناسب آب و ظرفیت ذخیره آب و به‌طور کلی مدیریت ضعیف منابع آبی است. در همین راستا می‌توان گفت بیش‌ترین اتلاف آب در افغانستان به دلیل راندمان و بازده پایین سیستم‌های آبیاری است. راندمان پایین سیستم آبیاری تا حدی از این واقعیت ناشی می‌شود، که اکثریت قریب به اتفاق روند آبیاری شامل سیستم‌های آبیاری غیررسمی است. افغانستان تنها ۱۰ سیستم آبیاری رسمی دارد که حدود ۱۰ درصد از زمین‌های آبیاری را پوشش می‌دهد. با توزیع مناسب آب، میزان زمین‌های آبیاری در افغانستان می‌تواند دو برابر شده و در نتیجه فرصت‌های معیشتی روستایی افزایش یابد. و از دیگر سو کم‌بود زیرساخت‌ها در افغانستان هم‌چنین می‌تواند منافع بالقوه و فرصت‌های اقتصادی با پتانسیل ادغام منطقه‌یی را محدود کند. زیرساخت‌های منطقه‌یی می‌توانند تجارت و ترانزیت را افزایش داده، پیوندهای تجاری فراملی را افزایش داده، اشتغال ایجاد کرده و فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کند.

۴-۳. سیمای انسانی در فضای جغرافیایی افغانستان

۴-۳-۱. بُعد قومیت

سیمای انسانی در فضای جغرافیایی افغانستان به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، فرهنگ‌ها، و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مردم این کشور اشاره دارد. افغانستان با تاریخچه‌ای غنی و متنوع، به عنوان پلی بین فرهنگ‌های مختلف شناخته می‌شود. با توجه به ترکیب قومی در افغانستان، اقوام مختلف آن از نوعی توازن نسبی برخوردارند آمار و ارقام مختلف درباره ترکیب ملت نشان می‌دهد که از نه قوم تشکیل شده است، که به ترتیب عبارت‌اند از: پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها،

بلوچ‌ها، نورستانی‌ها، پشه‌یی‌ها و قیرقیزها. در بین این اقوام، پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها از اکثریت قابل توجهی برخوردارند و سایر اقوام دارای نسبت درصد کم‌تری هستند.

۴-۳-۲. بُعد زبانی

در بُعد زبانی ملت افغانستان دارای الگوی ترکیبی است. هشت زبان مختلف در کشور بیش‌ترین کاربرد را دارند، که عبارتند از: پشتو، فارسی دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، نورستانی، پشه‌یی و قرقیزی. در بین گروه‌های زبانی، پشتو، فارسی دری و ترکی (ازبکی و ترکمنی) در اکثریت قرار دارند.

۴-۳-۳. بُعد مذهبی

در بُعد مذهبی نیز ملت افغانستان دارای الگوی ترکیبی است. اگرچه دین غالب در افغانستان اسلام است، ولی از نظر مذهبی افغانستان دارای دو مذهب سنی حنفی و شیعه می‌باشد. در واقع پی‌روان مذهب اهل سنت در اکثریت قرار دارند.

۵. مناقشه

مروری بر ادبیات موضوعی پژوهش نشان می‌دهد، که آثار زیادی پیرامون تحلیل رفتار و پراکنش نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز که به اشکال مختلف در کشور افغانستان وجود دارند، انجام شده و دارای ویژه‌گی‌های خاص خود هستند؛ اما به صورت تخصصی ساختار فضای جغرافیایی افغانستان به عنوان یک متغیر مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. آنچه که محور اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد، شناخت عوامل موجود در این ساختار (موقعیت و محتوا) فضای جغرافیایی که سبب به وجود آمدن و جهت‌گیری‌های متفاوت (مرکزگرایی و مرکزگرایی) این نیروها می‌شوند. قاعدتاً هر فضای جغرافیایی در بطن خود حاوی ارزش‌های طبیعت‌پایه و انسان‌پایه است، که مطلوب انسان‌ها می‌باشد؛ منابع طبیعت‌پایه و انسان‌پایه که برای زنده‌گی بشر و گروه‌های انسانی ضروری می‌باشند، در فضاهای جغرافیایی قرار دارند و محتوای ارزش‌مند آن‌ها را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌یی هستند، که به صورت ارزش‌های درک‌شده از سوی سازه‌های انسانی، ملت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های بشری درمی‌آیند و معنای سیاسی و مطلوبیت خاصی برای آن‌ها پیدا می‌کنند؛ ارزش‌های جغرافیایی‌بی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند، از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر هم‌کاری، هم‌گرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند.

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی و شناخت مؤلفه‌های ساختار فضای جغرافیایی افغانستان می‌توان استنتاجات زیر را به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز مرکزگرایی و مرکزگریزی در این کشور اخذ نمود:

- توپوگرافی متمایزکننده فضای جغرافیایی؛

- ساخت‌های ضعیف و نامتوازن؛

- شکل‌گیری الگوی موزائیکی ملت.

الگوی پخش ملت در پهنه سرزمین، بیان‌گر وجود آرایش فضایی خاص همراه با تمایز سرزمینی است؛ به طوری که عرصه‌های پخش و استقرار اقوام و مذاهب با یکدیگر متفاوت است. این امر باعث شکل‌گیری جداگانه هویت‌های قومی گردیده است. موزائیک اقوام در افغانستان بیان‌گر این نکته است که به جز قوم هزاره، بقیه اقوام بخشی از ناحیه بزرگ‌تر مربوط به خود هستند، که زبانه‌های آن به داخل خاک افغانستان کشیده شده است و در مورد قوم پشتون به‌نظر می‌رسد که بخش اکثریت آن در داخل افغانستان قرار دارد. توزیع میان مرزی اقوام ساکن در مرزهای کشور موجب شده است که نیروهای مرکزگریزی در میان آن‌ها شکل بگیرد و به کانون‌هایی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل شوند، که در شرایط تاریخی-سیاسی خاص بعضی دوره‌ها فعال شده و چالش‌های اساسی را برای دولت مرکزی به‌وجود آورند. با وجود پیش‌رفت در توسعه زیرساخت‌ها از سال ۲۰۰۲ م. می‌توان گفت، ساخت‌های شبکه‌یی در هر چهار زمینه شبکه‌های ارتباطی، انتقال انرژی، حمل‌ونقل در ابعاد مختلف ملی و منطقه‌یی و شبکه آب و فاضلاب در افغانستان باوجود این که اقدامات اولیه در زمینه‌های انکشاف و اجرای آن‌ها صورت گرفته، اما هم‌چنان ناقص، ناکافی و در شرایط نامناسبی باقی مانده است. این امر نیز به نوبه خود توزیع نامناسب امکانت و خدمات در ولایات را نشان می‌دهد و تأثیر مستقیم بر تقویت اندیشه مرکزگریزی داشته است. هر چند به‌نظر می‌رسد با پیش‌رفت در این زمینه عوامل متمایزکننده از محیط طبیعی و جامعه انسانی کم‌رنگ می‌گردد. همان‌گونه که از الگوی موزائیکی ملت در افغانستان پیداست، چندگانه‌گی قومی، زبانی و مذهبی، از عناصر اصلی مؤلفه ملی در آن است. کارویژه‌های ناقص و پرورش نیافته این عناصر در زمینه‌های قوم و دوام روح مشترک ملی را بی‌رمق ساخته است. تأکید بر پای‌بندی‌های قبیله‌یی، پافشاری بر ارزش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تباری و مقدم‌شمردن پندارهای مذهبی بر آیین‌های هم‌بسته‌گی دینی و تابوساختن نمادهای عشیره‌یی به‌جای سمبل‌های ملی، از جلوه‌های آشکار پرورش یافته‌گی نمایه‌های ساختار موزائیکی به‌شمار می‌رود، که نقصان «روح ملی» را در آن تبلور بخشیده است. موزائیک پخش گروه‌های مذهبی افغانستان بیان‌گر این نکته است که شیعیان عمدتاً در بخش مرکزی این کشور پراکنده‌اند و الگوی پخش آن‌ها تا اندازه‌یی بر الگوی پخش قوم هزاره

تطبیق می‌نماید. در بخش‌های شمال شرقی و جنوبی و جنوب غربی و تا اندازه‌ی غرب کشور اهل سنت پراکنده‌اند. در واقع تا اندازه‌ی می‌توان گفت که الگوی پخش شیعیان عمدتاً بر قلمروهای هزاره‌نشین و الگوی پخش اهل سنت عمدتاً بر قلمروهای پشتون‌نشین، تاجیک‌نشین، ازبک‌نشین و بلوچ‌نشین تطبیق می‌نماید. الگوی موزائیکی ملت، علاوه بر بُعد قومیت از ابعاد زبانی و مذهبی نیز دارای الگوی خاص خود است و ترکیبات زبانی و مذهبی نیز الگوی ملت را در افغانستان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با ملاحظه محتوای ساختار فضای جغرافیایی افغانستان، نامتجانس‌گی آن مشهود است؛ به‌خصوص در بُعد سیمای انسانی که وجود اقوام و مذاهب مختلف پتانسیل ویژه‌ی را برای مرکزگریزی و مرکزگرایی در آن شکل داده است و به همین دلیل عملاً این فضا به‌صورت عرصه تقابل دو این نیرو درآمده است. در این بین عواملی چون اشتراکات نژادی، هم‌ریشه‌گی زبانی، تاریخ و دین مشترک، باعث تقویت و تحکیم مرکزگرایی در این کشور شده است.

۷. پیش‌نهادها

- توسعه متوازن و اساسی در زمینه ساخت‌ها و شبکه‌های انسان‌ساخت؛
- بررسی و شناخت محتوای کارکردی فضای جغرافیایی افغانستان؛
- شناخت و بررسی نیروها مرکزگرا و مرکزگریز در افغانستان.

ORCID

Jawad Amiri

 <https://orcid.org/0009-0000-0245-4047>

Seyed Hadi Zarghani

 <https://orcid.org/0000-0002-3365-8250>

Morteza Manshadi

 <https://orcid.org/0000-0003-0378-9513>

ارجاع به این مقاله (APA):

. امیری، جواد؛ زرقانی، سیدهادی؛ منشادی، مرتضی. (۱۴۰۴). «تأثیر ساختار فضای جغرافیایی بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در افغانستان». *فصلنامه علمی - پژوهشی غالب*. ۱۱۴(۱). ۱۹۱ - ۲۲۲.

<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.10>

To Cite this Article (APA):

. Amiri, Jawad; Zarghani, Seyed Hadi; Manshadi, Morteza. (2025). "The Impact of Geographic Space Structure on Centralization and Decentralization in Afghanistan". *Ghalib Journal*. 14(1). 191 - 222. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.10>

سرچشمه‌ها

۱. الفنتون، استوارت مونت. (۱۳۸۸). **افغانان: جای، فرهنگ و نژاد**. ترجمه محمدآصف فکرت. چ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**. چ دوم. مشهد: انتشارات پاپلی.
۳. دولفوس، اولیویه. (۱۳۷۴). **فضای جغرافیایی**. ترجمه سیروس سهامی. چ دوم. مشهد: نشر نیکا.
۴. سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۹۱). **جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان**. کابل: انتشارات فرهنگ.
۵. شکوئی، حسین. (۱۳۹۴). **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**. ج ۱. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۶. شکوئی، حسین. (۱۳۹۲). **فلسفه جغرافیا**. چ شانزدهم. تهران: گیتاشناسی.
۷. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). **جغرافیای انسانی افغانستان**. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.
۸. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). **درآمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان**. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.
۹. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). **مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان**. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.
۱۰. فرهنگ، میرمحمد صدیق. (۱۳۸۵). **افغانستان در پنچ قرن اخیر**. ج ۱. چ چهارم. تهران: انتشارات عرفان.
۱۱. کریمی‌پور، یداله. (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان**. چ اول. تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
۱۲. لورل، کورنا. (۱۳۹۲). **افغانستان**. ترجمه فاطمه شاداب. چ سوم. تهران: انتشارات ققنوس.
۱۳. مویر، ریچارد. (۱۳۹۱). **درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی**. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی. چ دوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۴. میرحیدر، دره و هم‌کاران. (۱۳۹۶). **مبانی جغرافیای سیاسی**. چ بیست‌ودو. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. ویسی، هادی. (۱۳۹۸). **مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی**. چ سوم. تهران: سمت.
۱۶. زین‌العابدین، یوسف و کارساز، انام. (۱۳۸۹). «**جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک**». فصل‌نامه نگارش‌های نو در جغرافیای سیاسی. ۳ (۱). ۴۵-۵۵.
<https://www.sid.ir/paper/477859/fa>
۱۷. نجفی، علی. (۱۳۸۹). «**تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان (۱)**». فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای. ۵ (۶) ۳۹ - ۸۰. <http://noo.rs/tbmnC>.
۱۸. نجفی، علی. (۱۳۸۹). «**تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان (۲)**». فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای. ۷ (۸) ۲۰۳ - ۲۳۸. <http://noo.rs/If9Ea>.

گزارش‌ها و سایت‌ها

۱۹. اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۴۰۲). برآورد نفوس کشور. بازیابی شده در ۱۸ دلو ۱۴۰۳، از <https://nsia.gov.af/library>
۲۰. پروگرام آینده شهرهای افغانستان (۱۱ حوت ۱۳۹۴). حمایت ملی برای شهرهای افغانستان. بازیابی شده در ۱۲ دلو ۱۴۰۳، از <https://www.acbar.org/upload/1471328984287.pdf>
۲۱. اداره ملی حفاظت محیط‌زیست. (۲۴ سرطان ۱۳۹۷). پالیسی ملی نظارت بر کیفیت آب. بازیابی شده در ۱۵ دلو ۱۴۰۳، از <https://www.nepa.gov.af/> و <https://faolex.fao.org/docs/pdf/afg216947.pdf>
۲۲. اداره منابع آب. (۱ دلو ۱۳۸۶). استراتژی انکشاف ملی افغانستان. بازیابی شده در ۱۵ دلو ۱۴۰۳، از <https://faolex.fao.org/docs/pdf/AFG184664.pdf> و <https://www.nepa.gov.af/>
۲۳. آمریت رسانه‌های وزارت مخابرات. (۱ قوس ۱۳۹۹). گزارش کارکردها و دست‌آوردهای وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی. بازیابی شده در ۱۶ دلو ۱۴۰۳، از <https://mcit.gov.af/dr>
۲۴. سیلوان، ش. و. (۱۳ حوت ۱۳۹۵). تجدید ماسترپلان سکتور ترانسپورت. وزارت فواید عامه. بازیابی شده در ۱۴ دلو ۱۴۰۳، از https://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/235311/afg-transport-plan-update-2017-2036-prs_0.pdf
۲۵. شمس، م. (۷ عقرب ۱۳۹۸). پلان ملی شبکه خط آهن افغانستان. اداره خط آهن افغانستان. بازیابی شده در ۱۲ دلو ۱۴۰۳، از <https://www.ara.gov.af/> و https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhZlY_D-Yf/view
۲۶. ظاهر، س. (۶ قوس ۱۳۹۸). حفظ و مراقبت منظم از خط آهن حیرتان-مزارشریف. بازیابی شده در ۲۷ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr> و https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhZlY_D-Yf/view
۲۷. غرجستانی توسلی، م. (۲۰ قوس ۱۳۹۹). احداث خط آهن منطقه‌ای و نقش آن در چشم‌انداز اقتصاد منطقه. بازیابی شده در ۲۷ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr>
۲۸. اداره خط آهن افغانستان. (۶ قوس ۱۳۹۹). ماستر پلان شبکه خط آهن افغانستان: بندرهای چندمنظوره افغانستان. بازیابی شده در ۲۹ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr>
۲۹. مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی. (۱۱ سنبله ۱۴۰۲). فواید و اهمیت داخلی و منطقه‌ای توسعه خطوط ریلی در افغانستان. بازیابی شده در ۲۹ دلو ۱۴۰۳، از <https://csrsaf.org> و <https://csrsaf.org/wp-content/uploads/2023/09/Weekly-Analysis-Fa-415.pdf>
۳۰. واحدی، ه. (۴ سنبله ۱۴۰۲). نگاه اجمالی بر شاهراه‌ها، سرک‌ها و کارکرد امارت اسلامی در این خصوص. معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزرا. بازیابی شده در ۲۸ دلو ۱۴۰۳، از <https://dpmea.gov.af/dr>

References

1. Elphinstone, Stuart Mont. (2009). *Afghans: Place, Culture, and Race*. Translated by Mohammad Asif Fekrat. 3rd Edition. Mashhad: Astan Quds Publishing. [In Persian]
2. Hafeznia, Mohammad Reza. (2005). *Principles and Concepts of Geopolitics*. 2nd Edition. Mashhad: Papeli Publishing. [In Persian]
3. Dollfus, Olivier. (1995). *Geographical Space*. Translated by Siros Sahami. 2nd Edition. Mashhad: Nika Publishing. [In Persian]
4. Sajjadi, Abdul Qayum. (2012). *Political Sociology of Afghanistan*. Kabul: Farhang Publishing. [In Persian]
5. Shokouei, Hossein. (2015). *New Ideas in the Philosophy of Geography*. Vol. 1. Tehran: Geographical and Cartographic Institute Gitashenasi. [In Persian]
6. Shokouei, Hossein. (2013). *Philosophy of Geography*. 16th Edition. Tehran: Gitashenasi. [In Persian]
7. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Human Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
8. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Introduction to the Physical Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
9. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Introduction to the Political Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
10. Farhang, Mir Mohammad Sediq. (2006). *Afghanistan in the Last Five Centuries*. Vol. 1. 4th Edition. Tehran: Erfan Publishing. [In Persian]
11. Karimi-Pour, Yadollah. (2001). *Introduction to Iran and Its Neighbors*. 1st Edition. Tehran: Jihad Daneshgahi of Tarbiat Moallem University. [In Persian]
12. Laurel, Corna. (2013). *Afghanistan*. Translated by Fatemeh Shadab. 3rd Edition. Tehran: Qoqnoos Publishing. [In Persian]
13. Muir, Richard. (2012). *A New Introduction to Political Geography*. Translated by Darreh Mirhaidar and Yahya Safavi. 2nd Edition. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian]
14. Mirhaidar, Darreh & Colleagues. (2017). *Fundamentals of Political Geography*. 22nd Edition. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
15. Vaisi, Hadi. (2019). *Concepts and Theories of Political Geography*. 3rd Edition. Tehran: SAMT. [In Persian]
16. Zeyn al-Abedin, Yousef & Karsaz, Anam. (2010). "The Role of Geographical Location in Geopolitical Theories." *Quarterly Journal of New Perspectives in Political Geography*, 3(1), 45-55. [In Persian]
<https://www.sid.ir/paper/477859/fa>
17. Najafi, Ali. (2010). "Ethnic, Cultural, and Linguistic Diversity in Afghanistan (1)." *Quarterly Journal of Regional Studies*, 5(6), 39-80. [In Persian]
<http://noo.rs/tbmnC>
18. Najafi, Ali. (2010). "Ethnic, Cultural, and Linguistic Diversity in Afghanistan (2)." *Quarterly Journal of Regional Studies*, 7(8), 203-238. [In Persian]
<http://noo.rs/If9Ea>

Reports and Websites

19. National Statistics and Information Authority. (2023). **Estimated Population of the Country**. Retrieved on February 7, 2025, from [<https://nsia.gov.af/library>] [In Persian]

20. Future Cities Program of Afghanistan. (March 1, 2016). **National Support for Afghanistan's Cities**. Retrieved on February 1, 2025, from [<https://www.acbar.org/upload/1471328984287.pdf>] [In Persian]
21. National Environmental Protection Agency. (July 15, 2018). **National Water Quality Monitoring Policy**. Retrieved on February 4, 2025, from [<https://www.nepa.gov.af/>] and [<https://faolex.fao.org/docs/pdf/afg216947.pdf>] [In Persian]
22. Water Resources Department. (January 21, 2008). **Afghanistan National Development Strategy**. Retrieved on February 4, 2025, from [<https://www.nepa.gov.af/>] and [<https://faolex.fao.org/docs/pdf/AFG184664.pdf>] [In Persian]
23. Media Directorate of the Ministry of Communications. (November 21, 2020). **Performance and Achievements Report of the Ministry of Communications and Information Technology**. Retrieved on February 5, 2025, from [<https://mcit.gov.af/dr>] [In Persian]
24. Sylvan, Sh. (March 3, 2017). **Update of the Master Plan for the Transport Sector**. Ministry of Public Works. Retrieved on February 3, 2025, from [https://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/235311/afg-transport-plan-update-2017-2036-prs_0.pdf] [In Persian]
25. Shams, M. (October 29, 2019). **Afghanistan National Railway Network Plan**. Afghanistan Railway Authority. Retrieved on March 2, 2025, from [<https://www.ara.gov.af/>] and [https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view] [In Persian]
26. Zahir, S. (November 27, 2019). **Regular Maintenance of the Hairatan-Mazar-e-Sharif Railway**. Retrieved on February 16, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] and [https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view] [In Persian]
27. Gharjestani Tavassoli, M. (December 10, 2020). **Construction of Regional Railways and Their Role in the Regional Economic Outlook**. Retrieved on February 16, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] [In Persian]
28. Afghanistan Railway Authority. (November 27, 2020). **Master Plan for the Afghanistan Railway Network: Afghanistan's Multipurpose Ports**. Retrieved on February 18, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] [In Persian]
29. Center for Strategic and Regional Studies. (September 2, 2023). **Domestic and Regional Benefits and Importance of Expanding Railway Networks in Afghanistan**. Retrieved on February 18, 2025, from [<https://csrsaf.org>] and [<https://csrsaf.org/wp-content/uploads/2023/09/Weekly-Analysis-Fa-415.pdf>] [In Persian]
30. Wahidi, H. (August 26, 2023). **A Brief Overview of Highways, Roads, and the Performance of the Islamic Emirate in This Regard**. Economic Affairs Deputy of the Prime Minister's Office. Retrieved on February 17, 2025, from [<https://dpmea.gov.af/dr>] [In Persian]
-
-